نورانی کوتنائی، حسین؛ حریری، نجلا؛ مطلبی، داریوش؛ باب‌الحوائجی، فهیمه (۱۳۹۹). تحلیل نظریه استثمار زیست‌جهان هابرماس در شکل‌گیری مدیریت دانش. *پژوهش‌نامه کتابداری واطلاع‌رسانی*، ۱۰ (۲)، ۹۱-۷۲.
DOI: 10.22067/infosci.2021.23742.0

تحلیل نظریه استثمار زیست‌جهان هابرماس در شکل‌گیری مدیریت دانش

حسین نورانی کوتنائی[۱]، نجلا حریری[۲]، داریوش مطلبی[۳]، فهیمه باب الحوائجی[۴]

تاریخ دریافت: ۹۷/۷/۳۰ تاریخ پذیرش: ۹۹/۴/۳ نوع مقاله : پژوهشی

چکیده

مقدمه: مقوله قدرت (حکومت، ثروت و دین) می‌تواند هم بسترساز پژوهش حقیقی و هم ویرانگر و منحرف‌کننده دانش باشد. با تأمل در نظریه استثمار زیست‌جهانِ یورگن هابرماس می‌توان نقش و تأثیر قدرت‌های تمامیت‌خواه را بر روند جریان آزاد اطلاعات و امکان تغییر زیست‌جهان دانش و شکل‌گیری رابطه سلطه‌پذیر و سلطه‌گر را دریافت. هدف این پژوهش، تحلیل زیست‌جهان دانش و تأثیر استثمار زیست‌جهان دانش بر مدیریت کلان دانش بود.

روش‌شناسی: رویکرد این پژوهش کیفی و روش آن نظریه زمینه‌ای بوده است. شرکت‌کنندگان در پژوهش ۲۰ نفر از اعضای هیأت‌علمی و متخصصان علوم اجتماعی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی بودند که مورد مصاحبه عمیق قرار گرفتند و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات بر اساس سه روش کدگذاری مورد استفاده در نظریهٔ زمینه‌ای، شامل کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی با استفاده از نرم‌افزار تحلیل‌های داده‌های کیفی MAXQDA10 انجام گردید.

یافته‌ها: قدرت‌های تمامیت‌خواه با حذف، دستکاری و مانع‌تراشی در جریان آزاد اطلاعات و با تحریف، تخریب و دستکاری اطلاعات و همچنین با وابسته‌کردنِ نهادهای اطلاع‌رسانی در پی اثرگذاری بر تولید دانش و روند پژوهش هستند تا با اسطوره‌سازی و اقناع‌گری شهروندان، موجب آن شوند که پدیده استثمار زیست‌جهان دانش به واقعیت تبدیل شود.

نتیجه: با اطلاع‌رسانی هدایت‌شده توسط قدرت‌های تمامیت‌خواه، مراکز اطلاع‌رسانی از ماهیت وجودی‌شان دور می‌گردند؛ به‌تبع مخدوش‌شدن اطلاعات، نشر اطلاعات آلوده و اطلاع‌رسانی هدایت‌شده، شاهد استثمار زیست‌جهان دانش و در نهایت شکل‌گیری مدیریت دانش سوگیرانه و پدیدهٔ توهمِ دانایی در جامعه خواهیم بود.

در این پژوهش انواع مدیریت دانش کلان مانند مدیریت دانش ارزشی؛ مدیریت دانش تخریبی؛ مدیریت دانش انحصاری؛ مدیریت تحمیل دانش آلوده و مدیریت دانش پنهانی مطرح شده است.

کلیدواژه‌ها: مدیریت دانش، قدرت، زیست جهان، استثمار زیست جهان

۱. دکتری علم اطلاعات و دانش‌شناسی، دانشگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات، تهران، noraniho@yahoo.com

۲. استاد دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات، تهران، nadjlahariri@gmail.com

۳. استادیار دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات، تهران، dariushmatlabi@yahoo.com

۴. دانشیار دانشکده علوم اجتماعی و انسانی، دانشگاه‌آزاد اسلامی واحد علوم‌وتحقیقات، تهران، f.babalhavaeji@gmail.com

مقدمه

در برداشت عمومی جامعه، داشتن اطلاعات یک ضرورت و کسب علم همواره ارزشمند است. از آنجایی که اطلاعات مصون از آلودگی، تحریف و جعل نیست و رابطه بین قدرت و دانش می‌تواند منفی و ویرانگر یا ایجابی و سازنده باشد؛ باید در نظر گرفت کسب کدام اطلاعات و علم می‌تواند یک فضیلت محسوب شود، «اطلاعات» از آنجایی که زیرشاخه درخت دانش است به‌عنوان یک منبع قدرت محسوب می‌شود، از این‌رو حکومت‌ها همواره نسبت به مراکز تولید، نشر و اشاعه اطلاعات در سطح کلان حساس می‌باشند و رویکرد تحریف و سوگیری اطلاعات را پیشه خویش می‌کنند.

تأمل در قوانین رانگاناتان نشانگر نوعی مخالفت با پدیده سانسور و آلودگی اطلاعات و دانش است؛ چراکه برای رسیدن تمام و کمال به هدف «هر خواننده‌ای کتابش» و «هر کتابی خواننده‌اش» نیازمند به بستری هستیم که با رفع موانع جریان آزاد اطلاعات، امکان «اشاعه اطلاعات درست و معتبر» وجود داشته باشد، «قدرت آگاه» بسترساز پژوهش حقیقی و «قدرت تمامیت‌خواه» به سبب روحیه تمامیت‌خواهانه‌اش، ویرانگر و منحرف‌کننده دانش است (عبدالکریمی و محمدی، ۱۳۸۱)، حکومت‌های تمامیت‌خواه همواره سعی دارند علم و دانش را به‌عنوان یکی از منابع قدرت در دست بگیرند؛ اینگونه حکومت‌ها با ارزش‌گذاری و بسترسازی یا ایجاد موانع می‌توانند در ترویج یا نفیِ علوم تعیین‌کننده باشند.

فلسفه وجودی کتابخانه‌ها، مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های عمومی با سلامت اطلاعات و اشاعه اطلاعات درست و معتبر پیوند خورده و با اطلاعات تحریفی و دانش سوگیرانه در تضاد است؛ تمایل قدرت تمامیت‌خواه با اعمال سانسور دانش، سعی دارد مدیریت دانشِ مدنظر خود را در بین سازمان‌ها، نهادهای دانشی و مراکز اطلاع‌رسانی ایجاد کند. این مدیریت اطلاعات و دانش در سطح گستره ملی و حتی بین‌المللی موجب شکل‌گیری مدیریتی به نام «مدیریت کلان دانش[1]» می‌گردد. مدیریت کلان دانش مانند مدیریت دانش، در سطح خرد با فرایند ایجاد، اشتراک، ذخیره و به‌کارگیری دانش در ارتباط است و غایتش هم به‌کارگیری دانش در عرصه تصمیم‌گیری و عمل در سطح گسترده است. مدیریت کلان دانش را نمی‌توان جدا از شرایط و مناسبات فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و ... تصور کرد. حکومت‌ها پیوسته عرصه مدیریت کلان دانش را به‌شکل آشکار یا پنهانی با سانسور اطلاعات و مدیریت دانش مدنظر خود تحت تأثیر قرار می‌دهند.

حکومت‌های تمامیت‌خواه در سطح کلان همواره تلاش دارند، بیشترین سانسور و مدیریت

1. The Macro Knowledge Management

اطلاعات را در حوزه‌های اجتماعی، سیاسی، امنیتی و... اعمال کنند. این حکومت‌ها در مواقع مورد نیازشان با تولید دروغ و شایعه _ اطلاع‌دهیِ وارسی‌نشده_ موجب افزایش آلودگی اطلاعات و به تبع آن کاهش سلامت اطلاعات می‌گردند (آلپورت و پستمن، ۱۳۷۴). ازاین‌رو نیاز است مراکز کتابخانه‌ای و اطلاع‌رسانی نسبت به سلامت اطلاعات و فقدان آلودگی اطلاعات و نیز نقش ایجابی و سازنده قدرت مطمئن شوند؛ چراکه نقش‌آفرینی این مراکز در پیوند با اطلاعاتی است که از تحریف و سوگیری مصون باشند. از این منظر لازم است، وجوه مختلف مدیریت پنهان اطلاعات و دانش که توسط حکومت‌های تمامیت‌خواه دنبال می‌گردد، مورد کنکاش قرار گیرد تا با زمینه‌سازی برای کاهش سوگیری قدرت، زمینه برای دستیابی به اشاعه اطلاعات درست و معتبر فراهم گردد؛ همچنین از راه کاهش آلودگی اطلاعات و افزایش سلامت اطلاعات در پرتو رهایی از سیطره قدرت، روند اشاعه اطلاعات و نیل به علم رهایی‌بخش ممکن گردد.

بیان مسئله

آرای بسیاری از اندیشمندان علوم اجتماعی و ارتباطات خاصه مکتب فرانکفورت، گویای نقش دخالت‌گرانه از رابطه قدرت و دانش است. تأمل در چیستی نظریه «استثمار زیست‌جهان[۱]» یورگن هابرماس[۲] به وضوح دو عنصر مهم عاملِ «سلطه‌گر» مانند قدرت و معلولِ «سلطه‌پذیر» مانند نهادها و مراکز فرهنگی و اجتماعی را آشکار می‌کند. وجود رابطه سلطه‌گری و سلطه‌پذیری در مراکز اطلاع‌رسانی، نشانگر حساسیت و تأثیرگذاری مقوله قدرت نسبت به آموزش، خلق، ذخیره، مبادله و انتقال دانش، استراتژی دانش و زیرساخت دانش برای نیل به مدیریت کلان دانشی است که مصون از آلودگی اطلاعات نیست؛ ازاین‌رو هر عاملی که موجب انحراف، تحریف و تغییر عناصر دانش (داده، اطلاعات و دانش) گردد در خدمت استثمار زیست‌جهان حوزه‌های دانشی است و می‌تواند دلیلی بر امکان تغییر «زیست‌جهان دانش» و به تبع آن شکل‌گیری «مدیریت کلان دانش سوگیرانه» از آغاز (تولید دانش) تا پایان (توزیع) باشد.

تاریخ کتابخانه‌سوزی و نویسنده‌سوزی و در عصر حاضر ماجرای فرار و پناهندگی جولین آسانژ[۳]، مدیر سایت افشاگرانه ویکی‌لیکس و ادوارد جوزف اسنودن[4] کارمند اف.بی.آی در کنار اقدام به

1. The exploitation of life-world
2. Jurgen Haberma
3. Julian Paul Assange
2. Edward Joseph Snowden

کتاب‌سوزی و کتابخانه‌سوزی توسط گروه داعش و گروه بوکوحرام[1] نشانگر آن است که همچنان نسبت به اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات، اعمال مدیریت پنهان و ممیزی اطلاعات و مدیریت کلان دانش در حکومت‌ها و نیروهای سیاسی اقتدارگرا حساسیت وجود دارد؛ این حساسیت گویای اهمیت و نقش اطلاعات درست در امر انتخاب‌گری و تصمیم‌سازی است. مقوله قدرت از یک‌طرف با تأثیر بر شرایط فرهنگی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی موجب تغییر انگیزه‌های اطلاع‌جویی و از سوی دیگر، با تأثیرگذاری بر نظام آموزشی، نوع منابع آموزشی و نیز نظام پژوهش در نهایت بر فرآیند اطلاع‌یابی تأثیر خواهد گذاشت (براتی علویچه، ۱۳۸۳).

مقوله قدرت اعم از سیاست، سرمایه و دین، برانگیزاننده، تسهیل‌کننده، دشوارساز، محدودیت‌ساز و منع و نهی‌کننده است، می‌تواند هم فرآیند ممیزی اطلاعات را و هم مسیر مدیریت دانش را به‌سمت منویات قدرت چرخش دهد (هیل، ۱۳۸۱).

استثمار زیست‌جهان دانش موجب تأثیرات آشکار و پنهان بر علم و دانش خواهد بود این تأثیرات شامل موضوع تحقیق، چگونگی مطالعه، نتایج تحقیق و حتی رعایت اخلاق پژوهش هم می‌شود (محمدپور، ۱۳۸۹: ۴۵۲). مطابق با نظریه استثمار زیست‌جهانِ هابرماس، برای شکل‌گیری استثمار به عامل سلطه‌گر قدرت نیاز است. با توجه به موضوع پژوهش حاضر که تحلیل نظریه استثمار زیست‌جهان در حوزه مدیریت دانش است، لازم بود هم به مقوله قدرت به‌عنوان عامل سلطه‌گر و هم به مدیریت دانش و عناصر تشکیل‌دهنده دانش به‌عنوان سوژه سلطه‌پذیر توجه گردد؛ چراکه هر آنچه موجب انحراف، تحریف و تغییر عناصر دانش، اعم از داده و اطلاعات گردد، درواقع با موضوع پژوهش در ارتباط خواهد بود. شناخت مقوله قدرت از این‌رو اهمیت دارد که عامل سلطه‌گر در پذیرش نظریه استثمار زیست‌جهان است .

از نظر اوکشات[2]«دانش ترکیب اطلاعات و قضاوت است» (هیل، ۱۳۸۱، ص. ۳۱) و قدرت این قابلیت را دارد که هم اطلاعات را مخدوش و تحریف کند و هم قضاوت شهروندان را تغییر دهد، ضرورت این پژوهش، شناخت انواع مدیریت کلان دانش است که به شکل آشکار و غیر آشکار توسط حکومت‌های تمامیت‌خواه در مراکز اطلاع‌رسانی اعمال می‌شود و می‌تواند آثار زیانباری مانند آلودگی اطلاعات، سانسور اطلاعات، استثمار زیست جهانِ دانش و استثمار مراکز اطلاع‌رسانی را موجب گردد .

---

۳. بوکوحرام یک گروه جهادی در شمال نیجریه و در زبان «هوسه» به‌معنای تحصیل غربی حرام است.

2. Michael Joseph Oakeshott

هدف اصلی تحقیق

هدف کلی این پژوهش تحلیل نظریه استثمار زیست‌جهان هابرماس در شکل‌گیری مدیریت کلان دانش است.

سؤالات تحقیق

۱) استثمار زیست‌جهان دانش چگونه شکل می‌گیرد؟

۲) استثمار زیست‌جهان دانش چه نقشی در فرآیند اطلاع‌یابی دارد؟

۳) استثمار زیست‌جهان دانش چه نقشی در آلودگی اطلاعات دارد؟

رابطه قدرت بر دانش در آرای هوسرل، فوکو و هابرماس

قدرت با اِعمالِ سانسور، کاهش آزادی بیان، ایجاد موانع در دسترسی به اطلاعات و ایجاد اختلال در جریان آزاد اطلاعات می‌تواند سلطه فرهنگی را در حوزه اطلاع‌رسانی موجب گردد. در این راستا اگر مدیریت دانش به‌عنوان سلطه‌پذیر مطرح شود، شناخت نوع رابطه قدرت با اطلاعات و دانش و نیز شناخت زیست‌جهانِ داده، اطلاعات، دانش و خرد، هم اهمیت پیدا خواهد کرد. اینکه چه علم و دانشی از مرحله تولید تا اشاعه، توسط حکومت‌ها حمایت و یا سرکوب می‌گردد، هم به تبیین موضوع و هم به درک نقش قدرت در مدیریت کلان دانش کمک می‌کند.

«سانسور» میوه و نتیجه رابطه سلطه‌گرایانه قدرت با دانش است. سانسور یادآور نوعی محدودیت در دسترسی به منابع اطلاعاتی در اشکال گوناگون است. سانسور در جوامع مختلف مترادف با تفتیش عقاید و تفتیش افکار است. واژه «سانسوری» دربرگیرنده سیاست تحدید بیان افکار و عقاید و نشر و جریان آزاد اطلاعات است. هابرماس راه گریز از استثمار و رهایی از سلطه رسانه و مراکز اطلاع‌رسانی را در استفاده از عقل رهایی‌بخش می‌داند (جعفرزاده، ۱۳۹۵).

ادموند هوسرل[1] اولین کسی بود که رابطه قدرت بر دانش را به‌عنوان رابطه‌ای سلطه‌گرایانه مطرح نمود و علم ماحصل این ارتباط را علمِ بحران‌زده تعریف کرد. از نظر هوسرل علم در عصر حاضر دچار بحران شده و به بیراهه رفته است. از نظر وی کاهش دغدغه دانشمندان به بعضی موضوعات و نیز کاهش نقش‌آفرینی علم در زندگی روزمره، نشانه‌ای از این معنا باختگی علم می‌باشد (سیاوشی، ۱۳۹۲). همچنین

1. Husser Edmund

میشل فوکو[1] (۱۹۸۴-۱۹۲۶) بر پیوستگی قدرت- دانش با این عبارت «هیچ دانشی بیرون از قدرت وجود ندارد و هر قدرتی هم تافته‌ای از دانش را به‌همراه دارد»، تأکید داشت (خالقی، ۱۳۸۲).

یورگن هابرماس از متفکران برجسته علوم اجتماعی و فلسفه و از نظریه‌پردازان انتقادی پسامارکسیست، هم‌نظر با هوسرل، نظریه استثمار زیست‌جهان را مطرح نمود که به تعامل استثماری قدرت با فرهنگ در چارچوب سلطه‌پذیر و سلطه‌گر اشاره داشت. از نظر هابرماس، نظام اجتماعی — شامل اقتصاد و سیاست- در کنش با جهان‌زیست — شامل فرهنگ، شخصیت و دانش- قادر است گاه هویت و معنا را از جهان‌زیست بستاند و آن‌را به سلطه خود درآورد. از نظر هابرماس، نظام‌های اجتماعی، ایدئولوژیک و سیاسی قابلیت آن‌را دارند که زیست‌جهانِ قوم، خانواده یا فرد را تغییر داده و مستعمره خود قرار دهند. از این‌رو امکان تغییر زیست‌جهان مراکز تولید و اشاعه اطلاعات توسط قدرت به شکل محسوس یا نامحسوس را نباید دور از ذهن دانست. هابرماس راه گریز از استثمار و رهایی از سلطه رسانه و مراکز اطلاع‌رسانی را در استفاده از عقل رهایی‌بخش می‌داند (جعفرزاده، ۱۳۹۵).

مطابق با آرای هابرماس ما نیازمند خوانش نوینی از دموکراسی هستیم تا نوع انسان را از سلطه‌ی عقلانیَت ابزاری و قفس آهنین سرمایه‌داری معاصر رها سازیم (حاجی‌زاده، ۱۳۸۸). از نظر هابرماس رسانه‌ها هم در طیف کلی، عامل سلطه فرهنگی و به‌عبارت‌دیگر استثمار زیست‌جهان هستند (نوذری، ۱۳۸۱). از نظر هابرماس قدرت و ثروت در قالب‌ها و عناوین مختلف در نظام اجتماعی علیه زیست‌جهان دخیل هستند و بازسازی و تحلیل رفتن زیست‌جهان به‌واسطه قدرت و نظام اقتصادی حاکم، باعث استعمار آن می‌شود. اقتصاد سرمایه‌داری و فرهنگ نمادین حاکم، نظام اجتماعی را به‌سمت و سوی استثمار زیست‌جهان پیش می‌برد. در چنین نظامی، اذهان فعال و خلاق تبدیل به آلتِ دست و موجودیت‌های وابسته می‌شوند (بشیریه، ۱۳۷۶). استقلال زیست‌جهان مستلزم تعامل نظام با آن و نه تقابل آن است، در غیر این صورت، انحرافِ زیست‌جهان و استیلای فرهنگی نظام حاکم کاملاً عینی و عملی می‌شود.

پیشینه تحقیق

در بررسی پژوهش‌هایی که انجام پذیرفت، علاوه بر نقش قدرت در بسترسازی علم و اطلاعات، نقش ویرانگر و منحرف‌کننده قدرت در فرایند تولید، نشر و اشاعه اطلاعات در طول تاریخ نیز آشکار است. نوروزی (۱۳۸۱) به ارتباط تنگاتنگی بین مقوله انفجار و آلودگی اطلاعات نظر داشت و باقری

1. Michel Foucaul

ایلخچی (۱۳۸۲) معتقد به رابطه بین معرفت‌شناسی، ایدئولوژی و اندیشه سیاسی بود. بلنداختر نشتیفانی (۱۳۸۳) در پژوهش خود بیان داشت که حکومت سلجوقی قرائت رسمی از دین، علم و تفکر رواج می‌داد تا منافع قدرت تأمین گردد. لالمی (۱۳۸۸) در پژوهش خود نیل به روزنامه‌نگاری تحقیقی در ایران را منوط به رفع موانع، مانند فضای بسته سیاسی و فقدان امنیت شغلی روزنامه‌نگاران بیان داشت.

بهروزی (۱۳۹۰) در پژوهش خود بیان داشت، حق دسترسی آزاد به اطلاعات نیازمند سازوکاری است که بر اساس آن شهروندان بتوانند به اطلاعات موجود در مؤسسات عمومی دسترسی داشته باشند. هادیزاده (۱۳۹۰) نیز معتقد است که مسلمانان در مواقعی دست به کتاب‌سوزی و کتابخانه‌سوزی زده‌اند. اسماعیلی (۱۳۹۰) در پژوهشی به موضوع زوال دانش و علوم عقلی پس از تسلط بیگانگان ترک و مغول در دوره میانه اشاره داشت. حیدری (۱۳۹۱) در پژوهش خود اشاره داشت که در دوره صفویه به سبب جهت‌گیری مذهبی تنها دانش‌های با گرایش مذهبی فرصت رشد داشت. مبارکی (۱۳۹۱) هم نقش حکومت آل‌بویه در رشد و گسترش دانش شیعه و وضعیت علما و دانشمندان را در این دوره تاریخی واکاوی نمود. بهزادی (۱۳۹۱) در پژوهش خود بیان داشت که باورهای معرفت‌شناختی بر عوامل انسانی دخیل در امر بازیابی اطلاعات تأثیر می‌گذارند.

آزادبخت (۱۳۹۵) در پژوهش خود معتقد است که رشد و انحطاط علوم، تابع نگاه حکومت به علم است. هاشمی (۱۳۹۵) بر این عقیده است که در دوران خوارزمشاهیان بازار علم و علوم عقلی نسبت به نقلی پیشرفت بیشتری داشته است. قطبی (۱۳۹۶) می‌گوید در حکومت‌های تمامیت‌خواه شکل دادن به اذهان نسل آینده از طریق آموزش‌وپرورش به‌طور اعم و برنامه درسی به طور اخص صورت می‌گیرد. باقری توفیقی (۱۳۹۶) بر آن است که در ایران عصر سلجوقی علومی که از پشتوانه مذهبی و سیاسی برخوردار بودند، از نهادهای آموزشی و قشرهای اجتماعی فعّال و اثرگذار در سطح جامعه و حکومت برخوردار بودند. راوتز (۱۹۷۱) در تحقیق خود نخستین بار «جهل مبتنی بر علم» را مطرح نمود، وی جزمیت و قالبی اندیشیدن موضوعات به واسطه گفتمان علم را نوعی جهل می‌داند که گویا مبتنی بر پایه‌های علمی است.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نشر و اشاعه علم و دانش در ایران و جهان همواره از نقش مثبت و منفی حکومت‌ها متأثر بوده است و پدیده سانسور از گذشته‌های دور به صور و طرق مختلفی در اشکال گوناگون مانند فردی یا گروهی و به دلایل تاریخی، مذهبی، سیاسی و نظامی اعمال شده است. در این بین موضوع اخلاق و امنیت از مهم‌ترین دلایل حکومت‌ها برای ضرورت وجود سانسور قلمداد شده

است. ازآنجایی‌که بین آزادی و امنیت رابطه وجود دارد، دستیابی عملی به ایجاد رابطه‌ای که منجر به آزادی بیان در سایه مقررات منطقی گردد، بسیار دشوار است (Azizuddin&Sani, 2013) و همچنین بین آزادی بیان و عدم تحمل مذهبی هم رابطه وجود دارد؛ به‌عنوان مصداق: دولت هند با این استدلال به سانسور کتاب‌ها، فیلم‌ها و سایر اشکال می‌پردازد تا زمینه رنجش بخش مذهبی هندو نگردد (Singh, 2018). در قرن بیست‌ویکم با سونامی و انفجار اطلاعات و افزایش آلودگی اطلاعات زمینه برای سانسور هوشمندانه حکومت‌های تمامیت‌خواه مهیا شده است، سانسوری که عملاً مخدوش‌کننده اطلاعات و در راستای نقض حق آزادی بیان است (Jansen&Martin, 2004).

روش‌شناسی

در این پژوهش از روش نظریه زمینه‌ای[1] استفاده شده است. جمع‌آوری و تحلیل داده‌ها همزمان انجام و داده‌ها به روش تحلیل مقایسه‌ای مداوم و مطابق روش استراوس[2] و کوربین[3] (۱۹۹۸) تحلیل گردید؛ کدگذاری داده‌ها طی دو مرحله کدگذاری باز، محوری، و انتخابی صورت گرفت.

جامعه آماری این پژوهش بیست نفر از اعضای هیئت‌علمی و متخصصان علوم اجتماعی و علم اطلاعات و دانش‌شناسی بودند که حداقل ۵ سال سابقه تدریس در دانشگاه داشتند و همچنین دارای سابقهٔ پژوهشی در زمینه مدیریت دانش بودند. ازآنجاکه شناسایی و دسترسی به مصاحبه‌شوندگان واجد شرایط مشکل بود، از هرکس که با او مصاحبه شد، خواسته می‌شد، شخص واجد شرایط دیگری را معرفی کند، شیوه‌ای که به آن نمونه‌گیری گلوله برفی می‌گویند؛ مصاحبه‌ها آنقدر ادامه یافت که اطلاعات جمع‌آوری شده از مصاحبه‌های جدید نکته تازه‌ای را برملا نکرد و اطلاعات جدیدی به دست نیامد.

تغییر فرایند دانش و مدیریت دانش سوگیرانه

مدیریت دانش با حضور دانش ممکن است و دانش هم برآمده از فرایندی است که از داده شروع و به خرد منتهی می‌گردد؛ از این‌رو هرگونه تغییر در این فرایند دانشی موجب ایجاد مدیریت دانش تحریف‌شده یا سوگیرانه می‌شود؛ در فرایند دانش، داده، اطلاعات، دانش و خرد اموری درهم‌تنیده و وابسته به هم هستند. داده در حالت کلی، ماده اولیه و خام اطلاعات است که هنوز در بستری معین شکل و

1. Grounded Theory
2. Strauss & Corbin
3. Corbin

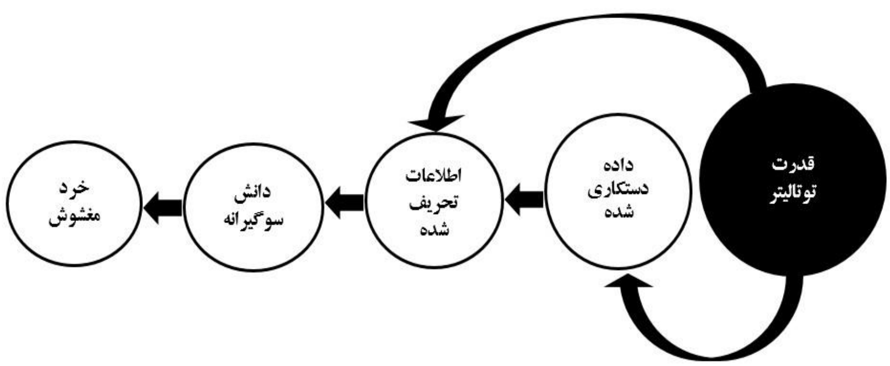
معنا نیافته است. می‌توان چنین گفت که داده‌ها فقره‌ها یا پاره‌های اطلاعاتی بی‌معنا و بی‌سامانی هستند که به‌واسطه یک نظام اطلاع‌رسانی، سامان‌دهی و پردازش و در نهایت به اطلاعات تبدیل می‌شود. پس، وقتی داده‌ها تحت نظام اطلاع‌رسانی معینی قرارگرفته و پردازش شوند، اطلاعات شکل می‌گیرد (داورپناه و آرمیده، ۱۳۹۱) .

اطلاعات عنصری معنادار و زمینه وابسته است. اینجا دیگر معنا و زمینه به داده‌های اولیه جهت داده و اطلاعات را در برمی‌گیرند. همین معناسازی و ایجاد زمینه به‌واسطه پردازش و نظام پردازش‌کننده به‌نوعی زمینه وابستگی اطلاعات را فراهم می‌کند. اینکه داده‌های فارغ از معنا و زمینه چگونه پردازش شده و سازمان‌دهی آنها به چه نحوی انجام شده است، در بسترهای مختلف متفاوت است. همین تفاوت‌ها عامل شکل‌دادن به اطلاعاتی خاص از داده‌های یکسان است. این ابتدای ماجرا است چراکه دانش را اطلاعات ویژه‌ای می‌دانند که در ذهن انسان نهادینه و باورپذیر شده است و اصل و مبنای تصمیمات فعالیت‌های اوست (داورپناه و آرمیده، ۱۳۹۱).

انسان این دانش را از اطلاعات عینی و ذهنی، تجربیات دیروز و امروز و القائات درون و برون گرفته است. دانش ورای اطلاعات است و ساختاری اقناعی دارد که بیشتر از اطلاعات در زندگی و اعمال رفتار انسان حاکمیت دارد. همین حاکمیت دانش در تمامی امور و رشته‌های زندگی آدمی، اصل و منشأ اخذ دانش را که اطلاعات است پراهمیت جلوه می‌دهد. اگر اطلاعات که منشأ یا لااقل بخشی از منشأ دانش است، اطلاعات درست، قطعی و منطقی نباشد یا بخشی از دانش آدمی از اطلاعاتی ناقص، آلوده و دستکاری‌شده برگرفته شده باشد، این دانش واقعی نیست و تلقیات غلطی با خود به‌همراه دارد.

از میان چهار عنصر داده، اطلاعات، دانش و خرد، بالاترین و انتزاعی‌ترین عنصر، خرد است که خود مستلزم پیش‌زمینه‌های فراوان است؛ اما آنچه مهم است، توجه به نقش دانش در شکل‌گیری خرد است. خرد راه زندگی را می‌نمایاند و دانش اساس خرد و حکمت را پی می‌ریزد؛ بر این اساس، دانش ناقص یا تحریف‌شده، عامل زایش خردِ بی‌خرد یا حکمتِ بی‌حکمت است. آن خردی کامل است که ماحصل دانش حقیقی باشد و آن دانشی کامل است که فراورده اطلاعات واقعی باشد و آن اطلاعاتی کامل است که داده‌هایی کامل و همساز آن‌را شکل داده باشند.

این چند نکته ضمن نشان دادن درهم تنیدگی داده، اطلاعات، دانش و خرد، نشان می‌دهد که نقص در یکی از این عناصر یا اخلال در حین ایجادشدن یکی از آنها در دیگری اثری سوء می‌گذارد؛ این‌چنین است که دانشی ناقص شکل می‌گیرد و حاصل آن خردی نه به‌معنای خرد واقعی است (شکل ۱).



شکل ۱. نقش قدرت توتالیتر در ایجاد خرد مغشوش (منبع: نگارنده)

یکی از عواملی که بر داده، اطلاعات، دانش و در پی آن خرد اثر می‌گذارد «قدرت» است. مصاحبه‌شوندگان در پژوهش حاضر به نقش عمدتاً سوگیرانه قدرت‌های تمامیت‌خواه در پردازش اطلاعات و توزیع و نشر دانش اذعان داشتند. البته نقش مخرب قدرت در شکل‌گیری دانش غیرواقعی یا ناقص، با تأثیر بر زیست‌جهان دانش امری قابل پذیرش است.

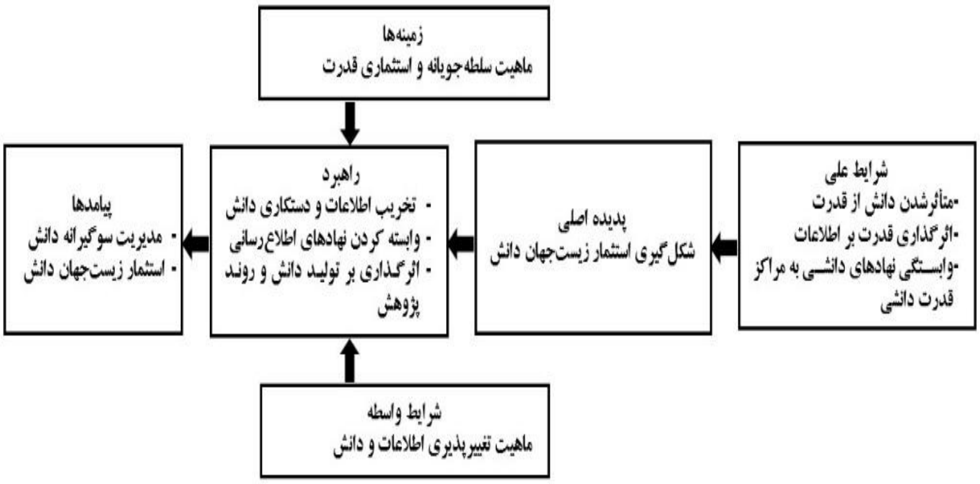
یافته‌های پژوهشی

برای پاسخگویی به سؤالات این پژوهش، ابتدا مصاحبه‌های ضبط‌شده روی کاغذ پیاده‌سازی و بازخوانی شد. سپس، کلمات کلیدی از هر مصاحبه استخراج و مراحل کدگذاری‌های سه‌گانه باز، محوری و انتخابی انجام پذیرفت تا به سؤالات پژوهش پاسخ داده شود. برای هر مصاحبه‌شونده کدی با یک حرف «م» و شمارهٔ اختصاصی در نظر گرفته شده است.

چگونگی شکل‌گیری استثمار زیست‌جهان دانش

در پاسخ به سؤالی در باب چگونگی شکل‌گیری استثمار زیست جهان دانش، طبق اطلاعات مندرج در شکل(۲) عوامل مختلفی در حکم شکل‌دهنده‌های این نوع زیست‌جهان مطرح شد. از مهم‌ترین آنها می‌توان به تداوم قدرت و حاکم‌شدن بیش‌ازپیش قدرت به‌واسطه تغییر در اطلاعات و دانش، تأثیرپذیری اطلاعات و دانش از قدرت به سبب انعطاف‌پذیری اطلاعات و دانش و تجمیع اطلاعات و دانش در مراکز اطلاع‌رسانی و مدیریتی تحت سلطه قدرت، تحریف و دستکاری در اطلاعات و دانش به‌واسطه اِعمال نفوذ قدرت و تغییر ماهیت ذاتی اطلاعات و دانش و نیز سوگیری مدیریت دانش ناشی از

وجود عوامل قدرت در رأس مراکز اطلاع‌رسانی و سامانه‌های دانش نام برد.



شکل ۲. کدگذاری محوری عوامل شکل‌گیری استثمار زیست جهان دانش

این عوامل به‌واسطه ماهیت قابل تغییر دانش و ماهیت سلطه‌جویانه قدرت دست‌به‌دست هم می‌دهند و با اِعمال راهبردهای مختلف، در نهایت عامل انحراف و استثمار زیست جهان دانش می‌شوند که تبعاتی منفی بر شهروندان و کاربران دانش دارد.

جدول ۱. درج مفاهیم و شکل‌گیری مقولات از متن داده‌ها از کدگذاری باز عوامل شکل‌گیری استثمار زیست جهان دانش

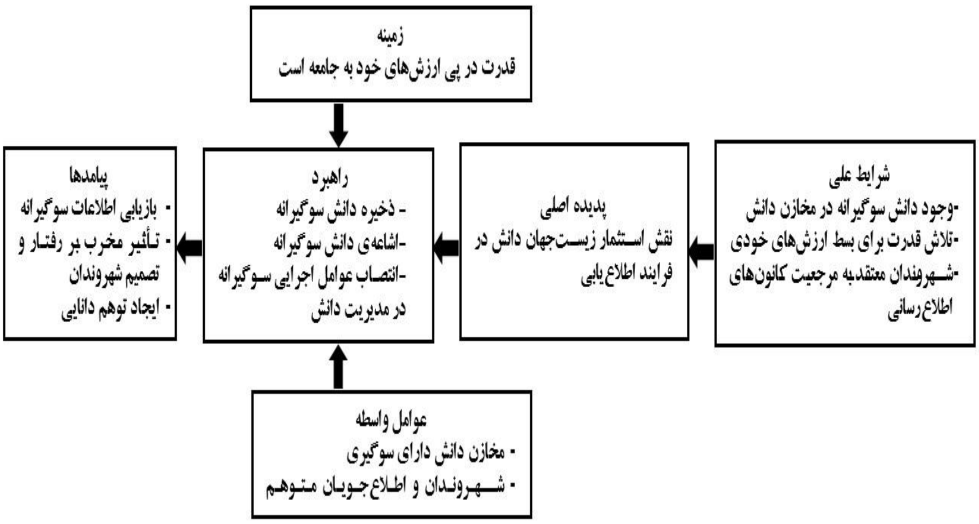
ویژگی‌ها	مقوله‌ها	مفهوم‌سازی	نمونهٔ، جملات (شمارهٔ مصاحبه‌شونده)
تأثیرپذیری از کانون‌های قدرت	تأثیرپذیری دانش و اطلاعات از مراکز قدرت و حکومت	- وابستگی اطلاعات و دانش به قدرت - دستکاری اطلاعات به واسطه قدرت -اطلاعات و دانش تحریف شده، عامل دوام قدرست	چون اطلاعات عمدتاً در دست قدرت و حکومت است، دولت و حکومت هم اطلاعات را طبق خوشایند خودش دستکاری و کم‌وزیاد می‌کند تا بتواند دوام و قوامش را بیشتر کند. (م .۱۷)
	قدرت و حکومت، عامل تغییر زیست	دور شدن اطلاعات دانش از مسیر اصلی با تحریف آن در اشکال مختلف	قدرت و حکومت و سیاستمداران دولتمردان با دستکاری، جعل، سانسور، حذف و تخریب و برجسته‌سازی برخی اقلام اطلاعاتی، اطلاعات را از مسیر خود دور می‌کند. (م. ۱۳)

	جهان دانش	تحریف اطلاعات، عامل دانش سو گرفته	وقتی اطلاعات تخریب شد، دانش حاصل از آن‌هم سو گرفته و ناقص است؛ چه دانش عینی باشد چه دانش ضمنی باشد (م.۱۱)
	دانش تحریف شده تابع مدیریت دانش سو گرفته	مدیریت بر دانش تحریف شده عامل استثمار زیست جهان دانش	وقتی دانش و اطلاعات تحت استثمار قدرت باشد مدیریت آن‌هم غرض‌مند است منظورم آن است که مدیریت دانش سو گرفته ناشی از دانش دستکاری شده است. (م.۲۰)

نقش استثمار زیست‌جهان دانش در فرآیند اطلاع‌یابی

درباره تأثیر و نقش استثمار زیست‌جهان دانش در فرآیند اطلاع‌یابی، نتایج بر اساس شکل (۳) نشان داد عواملی چون دستکاری اطلاعات، آلودگی اطلاعات، سونامی اطلاعات، انفجار اطلاعات و نیز دسترسی همگانی به پایگاه‌های بازیابی اطلاعاتِ مسیردهی‌شده‌یِ قدرت باعث جستجو و بازیابی اطلاعات از مسیرهای مشخص و سو گرفته می‌شود. وجود اطلاعات تحریف‌شده در کنار مسیرهای هدایت‌شده از سوی قدرت برای دسترسی به اطلاعات، فرآیند اطلاع‌یابی را مختل می‌کند.

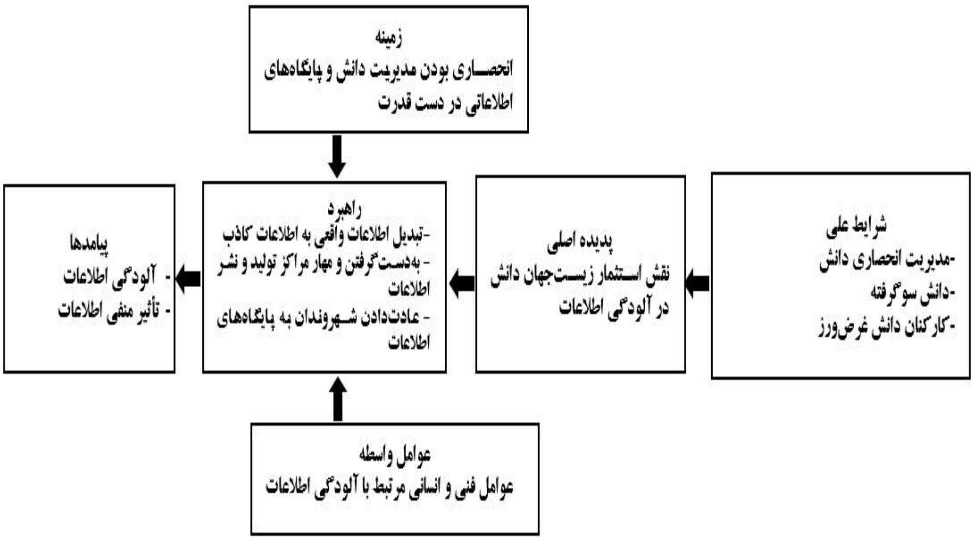
این اختلال در فرآیند بازیابی اطلاعات منجر به شکل‌گیری عواملی ناخواسته چون ظهور کاربران متوهم به دانایی مطلق و نیز بازداشتن آنان از جستجوی اطلاعات واقعی از مسیرهای دیگر می‌کند. مسیرهایی که می‌توانست تا حدی توهم دانایی و استثمار زیست جهان دانش را تقلیل دهند و کاربر را به‌سمت اطلاعات واقعی و دانش غیرسوگرفته هدایت کند.



شکل ۳. کدگذاری محوری نقش استثمار زیست‌جهان دانش در فرآیند اطلاع‌یابی

نقش استثمار زیست‌جهان دانش در آلودگی اطلاعات

در پاسخ به سؤال آخر در باب نقش استثمار زیست‌جهان دانش در آلودگی اطلاعات و نقص در توسعۀ فرهنگی و بر اساس مندرجات شکل (۴) این نتیجه حاصل شد که استثمار زیست‌جهان دانش باعث آلودگی اطلاعات می‌شود

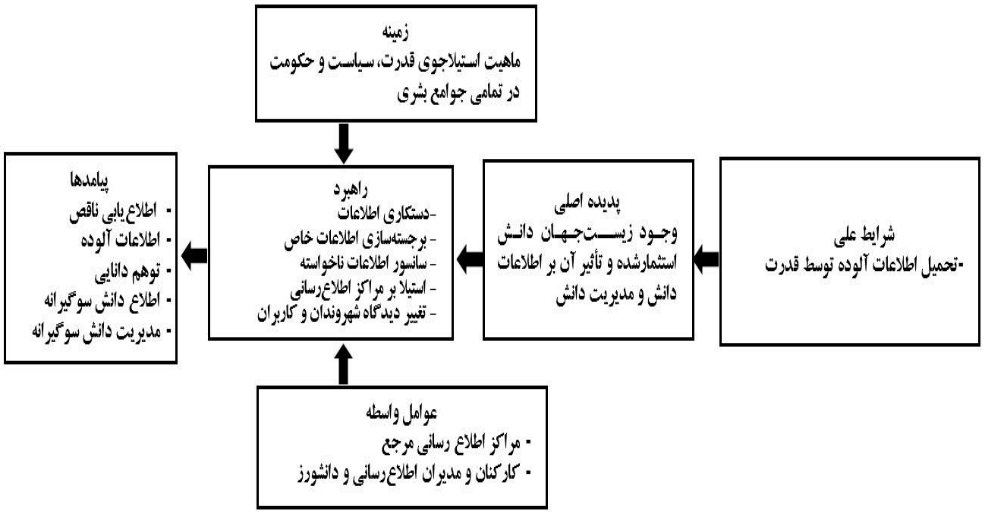


شکل ۴. کدگذاری محوری مربوط به نقش استثمار زیست جهان دانش در آلودگی اطلاعات

این گزاره که «عوامل آلودگی اطلاعات به‌واسطه قدرت در کنار عوامل طبیعی آلوده‌کننده که بیشتر زائیده عصر اطلاعات کنونی است» در مصاحبه‌ها بسیار مورد تأیید مشارکت‌کنندگان بود. تبدیل‌شدن اطلاعات حقیقی به شبه‌اطلاعات که داده‌های خاصی از آن به نفع قدرت و ارزش‌های حاکمیت تحریف شده است، در نهایت در بطن استثمار زیست جهان دانش وجود دارد و همین اطلاعات آلوده عامل خسران‌های بعدی، مانند وجود شهروندان متوهم به دانایی و مراکز اطلاع‌رسانی مرجع غیرموثق است.

کدگذاری نهایی: شکل‌گیری نظری

با کدگذاری نهایی و دقت نظر در تمامی مقوله‌ها و مفاهیم حاصل، نظریه زمینه‌ای دال بر وجود استثمار زیست‌جهان دانش به واسطه قدرت و تأثیر بلامنازع آن بر فرآیندهای مربوط به مدیریت اطلاعات و مدیریت دانش و توسعۀ فرهنگی شکل گرفت (شکل ۵). بر این اساس استثمار زیست‌جهان دانش بر اعمال نفوذ و نظر قدرت، واقعیت انکارناپذیری دارد و همین استثمار عامل تغییر ماهیت اطلاعات و دانش به واسطه مدیریت دانش سوگیرانه و در پی آن توسعۀ فرهنگی نامتوازن است.



شکل۵. کدگذاری محوری و نهایی پدیده اصلی «وجود زیست‌جهان دانشِ استثمارشده و تأثیر آن بر دانش»

نقش قدرت در توهم دانایی

توهم دانایی یک نوع هذیان دانشی است که فرد به‌علت دریافت اطلاعات تحریف شده و کسب اعتمادبه‌نفس کاذب به آن مبتلا می‌شود. قدرت تمامیت‌خواه می‌تواند شهروندان متوهم دانشی را بازتولید کند. «قدرت» در تعریف علوم اجتماعی توانایی است که فرد یا گروه برای پیشبرد اهداف و حصول به منافع خود، از طریق اعمال زور و یا نفوذ نرم و سخت و واداشتن دیگران به انجام کارهای عمدتاً خلاف میل آنها دارد یا کارهایی از این دست که دیگران با اقناع و فریب‌کاری و ترفندهای قدرت راضی به انجام آنها شده‌اند (قاسمی، ۱۳۹۱). البته عادت‌دادن شهروندان به اموری ویژه و در مقابل، تهدید آنان برای منع از انجام اقداماتی خاص از راهبردهای اعمال قدرت، به‌ویژه در جهان سیاست است (قاسمی، ۱۳۹۱). مهندسی اعمال قدرت مبتنی بر وعده و وعید و در غیر این صورت، تهدید و مجازات است؛ البته نگاهی به تفاوت قدرت یک‌جانبه و رابطه‌ای هم در بحث حاضر اهمیت دارد .

در قدرت یک‌جانبه هدف، اعمالِ قدرت مستبدانه و یک سویه بر مردم و کنترل آنهاست و قدرت مسلط در پی حاکمیت بی‌چون‌وچرا، با اعمال زور و کنترل افراد است؛ درصورتی‌که در قدرت رابطه‌ای نوعی مشارکت حاکم است و طرف‌های دخیل، از قدرت هم برای تقویت خود و تصمیم‌گیری بهتر و نفع مشترک استفاده می‌کنند (نظری، ۱۳۹۱: ۳۲). چنین نوع قدرتی در پی اشتراک مساعی و تصمیم دانش برای گسترش و ثبت منافع متقابل است و کمتر در برابر دانش واقعی و اطلاعات اصیل موضع می‌گیرد.

امروزه با جهانی‌شدن اطلاعات، مسئله اطلاعات برای همه مردم یا دموکراتیزه‌شدن اطلاعات شکل گرفته است که این خود زمینه و بستر مناسبی برای شکل‌گیری سونامی اطلاعات گردید. پیامد سونامی اطلاعات کاهش مهارت تحلیل اطلاعات در بین شهروندان شد. سونامی اطلاعات موجب می‌شود، انسان‌ها کمتر فرصت تفکر و تجزیه‌وتحلیل اطلاعات را داشته باشند. آن‌ها برای رفع نیاز اطلاعاتی ناچار می‌شوند به پذیرش مقلدانه اطلاعات از مراکز و مراجع اطلاعاتی معمول و شناخته‌شده روی آورند. این وضعیت، بستر مناسبی است تا مقوله قدرت، مراکز و مراجع اطلاعاتی را مورد استثمار زیست‌جهان قرار دهد. از این‌رو، مقوله قدرت با بهره‌گیری از رسانه‌ها، تبلیغات و اسطوره‌سازی اطلاعات - الگوسازی- به فرهنگ‌سازی اقدام می‌نماید.

تلاش قدرت، ارائه اطلاعات جانبدارنه و سوگیرانه برای شهروندانی است که تمایل به پذیرش مقلدانه اطلاعات دارند. تکرار پذیرش مقلدانه اطلاعات و کاهش مهارت تحلیل اطلاعات موجب می‌گردد، آگاهی شهروندان در حد یک تصورِ آگاهی و یا نوعی توهم دانایی تنزل یابد. با توجه به نظریه استثمار زیست‌جهانِ هابرماس، نظام اجتماعی ــ قدت و ثروت ــ در کنش با جهان‌زیستِ دانش قادر است گاه هویت و معنا را از آن بستاند و دانش را به سلطه قدرت و ثروت درآورد. این استثمار زیست‌جهان دانش توسط قدرت مراحل تولید اطلاعات، ارزش‌یابی، اشاعه اطلاعات و نیاز اطلاعاتی شهروندان را شامل می‌شود؛ تا آنجا که فرایند اطلاع‌یابی را از ماهیت اصلی خود که همانا کسب معرفت و آگاهی راستین است، خارج ساخته و به‌سوی توهم دانایی همگانی و عیان شدن پدیده نادانی جمعی از نوع نادانی سازمان-یافته هدایت کند. پذیرش نادانی سازمان‌یافته در واقع تأییدی بر نقش قدرت به سبب روحیه استثمار زیست‌جهانِ دانشِ برآمده از مدیریتِ سوگیرانه دانش است.

بحث و نتیجه

بانیان اولیه کتابخانه‌ها - سیاستمداران، شاهزادگان و مبلغین دینی- و اصحاب رسانه‌های جمعی امروز، از طبقه صاحبان قدرت می‌باشند. این نشانه آن است که صاحبان قدرت از دیرباز تاکنون نسبت به گردش اطلاعات و اشاعه دانش توجه و حساسیت داشته‌اند. شواهد تاریخی بسیاری را می‌توان برشمرد که حکایتگر نقش مخرب این صاحبان قدرت بر فرایند جریان آزاد اطلاعات و هم‌داستانی آنان با استثمار زیست‌جهان دانش باشد. مقوله قدرت ازآنجایی‌که اطلاعات را منبعی برای انتخاب و تصمیم‌گیری شهروندان می‌داند، در خصوص تولید اطلاعات و جریان آزاد اطلاعات بی‌طرف نمی‌ماند. تأملی بر حقایق

تاریخی مانند رمزنگاری، جنگ اطلاعات، زنجیر بستن کتاب، کتاب‌سوزی، کتابخانه‌سوزی و ممیزی مصادیقی بر تمایل قدرت به مخدوش‌سازی جریان آزاد اطلاعات است.

از این‌رو می‌توان بیان داشت که با تبیین نقش قدرت بر جریان آزاد اطلاعات و استثمار زیست‌جهان دانش، می‌توان در پی صیانت از سلامت اطلاعات برآمد و با تقویت جریان آزاد اطلاعات به شکل واقعی می‌توان از مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی انتظار داشت در امر اشاعه اطلاعاتِ درست و معتبر گام بردارند و در پی ایجاد مدیریت دانش غیر سوگیرانه باشند.

قدرت از آنجایی که از دانش و مراکز انباشت دانش استفاده ابزاری می‌کند با تحریف دانش و وجود مدیران منعطف در برابر قدرت در مراکز اطلاع‌رسانی در پی مدیریت کلان دانش است. همچنین با دستکاری اطلاعات، آلودگی اطلاعات، سونامی اطلاعات، انفجار اطلاعات و نیز دسترسی همگانی به پایگاه‌های بازیابی اطلاعاتِ مسیردهی شده باعث جستجو و بازیابی اطلاعات از مسیرهای مشخص و سو گرفته می‌شود. وجود اطلاعات تحریف‌شده در کنار مسیرهای هدایت‌شده از سوی قدرت برای دسترسی به اطلاعات، فرآیند اطلاع‌یابی را مختل می‌کند. این اختلال در فرآیند بازیابی اطلاعات منجر به شکل‌گیری عواملی ناخواسته چون ظهور کاربران متوهم به دانایی و نیز بازداشتن آنان از جستجوی اطلاعات واقعی از مسیرهای دیگر می‌گردد. در واقع مسیرهای اطلاع‌دهی که می‌بایست در خدمت رفع توهم آگاهی باشند به ابزاری برای تقویت توهم دانایی و استثمار زیست‌جهان دانش و هدایت کاربران به‌سمت اطلاعات غیرواقعی و دانش سو گرفته می‌گردند.

اطلاع‌یابی اگر بازتاب نیاز واقعی و برآمده از منابع معتبر و درست باشد، اطلاع‌یابی مطلوب است. آنچه که اطلاع‌یابی را از مسیر خود خارج می‌کند، نقش قدرت توتالیتر در استثمار دانش است. برای اینکه در مسیر افزایش سلامت اطلاعات و اطلاع‌یابی راستین قرار گیریم چاره‌ای به جز اجماع جهانی نداریم. در گام اول با ایجاد یک نظام حقوقی و بین‌المللی در قالب «اشاعه اطلاعات پاک برای شهروندان جهانی» به امر حمایت از نویسندگان، پژوهشگران و مراکز اطلاع‌رسانی مستقل بپردازیم؛ در گام بعدی با تأسیس نهادهای بین‌المللی مدنی فارغ از دخالت‌های آشکار و پنهان سیاست، مذهب و قدرت در پی اشاعه اطلاعات درست و معتبر باشیم؛ و در گام آخر با ایجاد مراکز ردیابی بین‌المللیِ اطلاعاتِ آلوده، به اشاعه اطلاعات درست و معتبر همت گماشت و در صورت فقدان اطلاعات موثق و معتبر باید این مراکز بدون جانبداری و قضاوت همه اطلاعات متناقض را جهت رؤیت و داوری شهروندان ارائه دهند.

با تبیین نقش قدرت بر جریان آزاد اطلاعات و استثمار زیست‌جهان دانش، می‌توان ضمن شناسایی آسیب‌های این استثمار، نقش تغییر ماهیت وجودی مراکز اطلاع‌رسانی را برای فعالان و شاغلان حوزه اطلاع‌رسانی واکاوی نمود و به تبع آن در پی صیانت از سلامت اطلاعات برآمد. البته این امر می‌تواند با تأسیس نهادهای مدنی بین‌المللی غیردولتی در آینده عملی گردد. نهادهایی که عالمانه و با رویکرد افشاگرانه در پی حذف بهانه‌های غیرواقعی حکومت‌ها برای سانسور تلاش می‌کنند در تضاد منافع با صاحبان قدرت قرار خواهند گرفت و صاحبان قدرت همواره سد راهی برای شکل‌گیری این نهادها حتی در آینده خواهند بود.

تبیین استثمار دانش و پذیرش امکان سوگیری در مدیریت کلان دانش حداقل این فایده را دارد که تصویر اتوپیایی و معصومانه اطلاع‌رسانی را از رشته‌کتابداری بزداید. تصویری که کارکنان کتابخانه‌ها و مراکز اطلاع‌رسانی را مبدل به اشاعه دهنده دانش و علم سفارشیِ خوشایند دولت‌ها کرده است. با تحقیقی در منابع کتابخانه‌های عمومی کشورهای با نظام تمامیت‌خواه و حضور پررنگ سانسور در آن، می‌توان دریافت که کارکنان این مراکز به جای آنکه حافظ و اشاعه‌دهنده دانش راستین باشند در حکم خادمانِ صاحبانِ قدرت عمل کرده‌اند؛ و به جای نشر آگاهی به ایجاد توهم دانایی کمک می‌کنند. وقتی مفهوم «استثمار» مطرح می‌شود رابطه سلطه‌پذیر و سلطه‌گر و تغییر اصالت و ماهیت و قربانی‌شدن تداعی می‌گردد؛ از این‌رو با تلاش همه‌جانبه برای تقویت جریان آزاد اطلاعات می‌توان از مراکز اطلاع‌رسانی و رسانه‌های جمعی انتظار داشت در امر اشاعه اطلاعات درست و معتبر گام بردارند و با کاهش آلودگی اطلاعات و کاهش سانسور، در پیِ کاهشِ مدیریتِ پنهانِ قدرت در زیست‌جهان دانش بود تا در نهایت امیدوار باشیم که از میزان توهم دانایی عمومی یا نادانی سازمان‌یافته توسط قدرت‌های تمامیت‌خواه کاسته شود.

با بررسی علل و راهبردها و پیامدهای مطرح در این پژوهش مباحث و فرضیه‌های مختلفی شکل گرفت که مهم‌ترین این فرضیه‌ها عبارتند از:

۱) استثمار زیست‌جهان دانش بر اثر دخالت قدرت رخ می‌دهد و قدرت عامل مدیریت سوگیرانه دانش و به تبع آن، استثمار زیست جهان دانش است.

۲) استثمار زیست‌جهان دانش عامل ایجاد توهم دانایی میان شهروندان است و قدرت از روش‌های مختلفی برای «استثمار زیست جهان دانش» استفاده می‌کند.

۳) یکی از علل مهم آلودگی اطلاعات، «استثمار زیست جهان دانش» است و یکی از علل مهم

ایجاد توهم دانایی، بازیابی اطلاعات از مراکز اطلاع‌رسانی مرجع وابسته به قدرت تمامیت‌خواه است.

۴) استثمار زیست‌جهان دانش ریشه‌های تاریخی، مذهبی و سیاسی دارد.
۵) عوامل اطلاع‌رسانی در مدیریت دانش سوگیرانه نقش دارند.
۶) مراکز پژوهشی و تولید علم به‌نوعی دچار استثمار زیست‌جهان دانش هستند.
۷) مدیریت دانش سوگیرانه ابزار قدرت برای اعمال ارزش‌های مدنظر خود است.
۸) استثمار زیست‌جهان دانش باعث تثبیت و دوام و تسهیل قدرت می‌شود.
۹) استثمار زیست‌جهان دانش به تصمیم‌گیری غلط شهروندان می‌انجامد.
۱۰) زیست‌جهان دانش علاوه بر قدرت از دیگر عوامل هم تأثیر می‌پذیرد.
۱۱) در آلودگی اطلاعات، عواملی مقدم بر نقش قدرت هستند.
۱۲) مذهب به‌عنوان عامل قدرت در مدیریت دانش سوگیرانه نقش دارد.
۱۳) انفجار اطلاعات کنونی بستری برای استثمار زیست‌جهان دانش است.

منابع

آلپورت، گردن و پستمن، لئو (۱۳۷۴). روانشناسی شایعه. تهران: مرکز تحقیقات و مطالعات وسنجش برنامه صدا و سیمای جمهوی اسلامی ایران.ص۹.

اسماعیلی، ابراهیم (۱۳۹۰). بررسی نقش دستگاه قدرت در دوره میانه و تأثیر آن بر انحطاط ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه یزد.

باقری ایلخچی، جهانگیر (۱۳۸۲). سیاست، نقادی و عقلانیت در آرای پوپر و هابرماس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دانشگاه تهران.

باقری توفیقی، ناهید (۱۳۹۶). بررسی وضعیت و زمینه‌های فعالیت علمای علوم دینی در ایران عصر سلجوقی. پایان‌نامه دکترای دانشکده حقوق و علوم اجتماعی. دانشگاه تبریز.

بلنداختر نشتیفانی، نوراحمد (۱۳۸۳). مطالعه‌ای در مناسبات قدرت و مشروعیت در دوره سلجوقیان بزرگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد پژوهشکده تاریخ. پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

بیانی، فرهاد؛ گلابی، فاطمه؛ علی‌پور، پروین (۱۳۹۴). زیست‌جهان و نظام؟ بررسی تلفیق در اندیشه یورگن هابرماس. فصلنامه راهبرد. شماره ۷۷.ص ۱۹۱-۲۱۶.

جعفرزاده، نسرین (۱۳۹۵). آگاهی و جامعه در مکتب فرانکفورت. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه تبریز.

حیدری، معصومه (۱۳۹۱). بررسی جامعه‌شناختی سازماندهی علم در اصفهان دوره صفویه و نقش آن در توسعه

تشیع. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه اصفهان.

داورپناه، محمّدرضا؛ آرمیده،معصومه (۱۳۹۱). اطلاعات و جامعه. انتشارات دبیزش.

عبدالکریمی، بیژن؛ محمدی، محمدعلی (۱۳۸۱). رهایی‌بخشی یا سلطه: نقدی بر نظام آموزش و پرورش ایران. انتشارات نقد فرهنگ.

قطبی، دیاکو (۱۳۹۶). واکاوی جایگاه و کارکرد برنامه درسی در نظام‌های تمامیت‌خواه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم انسانی و اجتماعی دانشگاه کردستان.

لالمی، سیده شیده (۱۳۸۸). موانع و چالش‌های شکل‌گیری روزنامه‌نگاری تحقیقی در ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده علوم اجتماعی. دانشگاه علامه طباطبائی.

مبارکی، مریم (۱۳۹۱). دانش‌های شیعه در عصر آل بویه. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی. مجتمع دانشگاهی ولیعصر.

محمدپور، احمد (۱۳۸۹). روش تحقیق معاصر در علوم انسانی. تهران: ققنوس.

نظری، علی اشرف (۱۳۹۱). سوژه، قدرت و سیاست از ماکیاول تا پس از فوکو؛ تهران: آشیان.

نوروزی، علیرضا (۱۳۸۱). آلودگی اطلاعات. فصلنامۀ علمی- پژوهشی اطلاع‌رسانی. دوره ۱۵. شمارۀ ۱و۲.ص۱-۶

هادیزاده، سیدنصرالله (۱۳۹۰). نقش مسلمانان در گسترش کتابخانه‌ها و بررسی شبهه کتاب‌سوزی توسط مسلمانان. پایان‌نامه کارشناسی دانشکده ادبیات و علوم انسانی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد شاهرود.

هاشمی، پریسا (۱۳۹۵). وضعیت علوم عقلی و نقلی در عصر خوارزمشاهیان. پایان‌نامه کارشناسی ارشد دانشگاه الزهرا.

هیل، مایکل (۱۳۸۱). تأثیر اطلاعات بر جامعه: بررسی ماهیت، ارزش و کاربرد اطلاعات. ترجمۀ محسن کاریزی. انتشارات چاپار.

Azizuddin, Mohd., Sani , Mohd (2013), Balancing Freedom of Speech and National Security in Malaysia, Asian Politics & Policy 5(4).

Eaves, Y.D. (2001). Asynthesis technique for grounded theory data analysis. Journal of Advanced Nursing Research; 35: 654-663.

Jansen, Curry, Sue ., Martin, Brian (2004), Exposing and opposing censorship: backfire dynamics in freedom-of-speech struggles, Pacific Journalism Review, Vol. 10, No. 1, pp. 29-45.

Ravetz ،J.،(1971), Scientific Knowledge and Its Social Problems ،Oxford: Oxford University Press.

Singh, amit.(2018), Conflict between Freedom of Expression and Religion in India—A Case Study. https://doi.org/10.3390/socsci7070108

The Analysis of Habermas life-World Exploitation Theory in the Knowledge Management

Hosein Noorani Kootenai*
Nadjla Hariri
Dariush Matlabi
Fahimeh Babalhavaeji
Islamic Azad University, Science and Research Branch, Tehran

Abstract

Introduction: Reflecting on the change in the world of the world through power domination, along with understanding (the relation of power-knowledge), while pointing out the sensitivity and influence (power category) to knowledge creation, storage, exchange and transfer; (knowledge strategy) and knowledge infrastructure to reach the “macro-knowledge management”; it can be a reason for the possibility change The world of knowledge and consequently (the change in the world of libraries and information centers) in history; therefore, it must "manage the vast array of subjective knowledge" from the beginning (production of knowledge) to the end (distribution) It was not far from the mind .The purpose of this study is to recognize the “macro-knowledge management” of power

Methodology: This qualitative research approach and its methodology have been the underlying theory. Participants in the research included twenty faculty members in related topics of social sciences and information science and science. They were interviewed using a semi-structured questionnaire. Data analysis was performed based on three coding methods used in grounded theory, including open source coding, axial coding and selective coding.

Findings: The results of this study showed that: The underlying theory emphasizes the likelihood of the existence of the exploitation of the world of knowledge of the world, which is shaped by its power and its impact on the processes of information management and knowledge management. Accordingly, the exploitation of the knowledge of the universe is indisputable in favor of the influence and power of the reality of reality, and this factor is a factor in the transformation of information and knowledge through the administration of knowledge .

Conclusion: A bi-directional management in different forms: Value management (Knowledge Management Affected by Science Classification); Cognitive Knowledge Management (Cognitive Knowledge Management); Exclusive Knowledge Management (Knowledge Management Influenced by Geopolitics of Information); Destructive Knowledge Management (Knowledge Management Affected by the Destruction of Information Resources); Infected Knowledge Management (Managing Knowledge Based on Information Pollution) can be applied.

Keyword Knowledge Management, Power, Life world, Colonization of life-world

* . noraniho@yahoo.com